

رونق تولید

تابلوی سیاسی

انعکاس آخرین تحلیل‌ها و مواضع رسانه‌ها و جریانها

BASIRAT.IR

آموزش تحلیل سیاسی / زنده نگه‌داشتن غدیر؛ زنده نگه‌داشتن اسلام

مسئله‌ی امامت و مسئله‌ی ولایت و زنده نگه‌داشتن غدیر، به یک معنا زنده نگه‌داشتن اسلام است. مسئله فقط مسئله‌ی شیعه و معتقدین به ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیست. اگر ما مردم شیعه و مدعی پیروی از امیرالمؤمنین حقیقت غدیر را درست تبیین کنیم، هم خودمان درک کنیم، هم به دیگران معرفی کنیم، خود مسئله‌ی غدیر میتواند وحدت‌آفرین باشد.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۰۹ / چهارشنبه ۳۰ مرداد ماه ۱۳۹۸

موضع بجا اما دیر هنگام

کیهان: «علی شمخانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی در مصاحبه با شبکه «ان‌بی‌سی نیوز» گفت: ما نباید توافق هسته‌ای دوران ریاست جمهوری (باراک) اوباما (برجام) را امضاء می‌کردیم. شمخانی افزود: برخی از مردم در ایران احساس می‌کردند که امضای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ میلادی اشتباه بود. وی در پاسخ به این سؤال که «آیا شما نیز یکی از این افراد هستید»، گفت: بله؛ من تابع دیدگاه‌های مردم هستم؛ مردم ایران.

دبیر شورای عالی امنیت ملی، آمریکا را «متجاوز و منشأ اصلی تنش‌ها در منطقه» خواند و به این کشور هشدار داد تا «عاقلانه عمل کند». شمخانی در ادامه افزود: کارزار فشار حداکثری دولت ترامپ (رئیس‌جمهوری آمریکا)، ایران را به زانو در نخواهد آورد و نیز نمی‌تواند تهران را به میز مذاکره هسته‌ای برگرداند. وی تصریح کرد: هدف تحریم‌ها، مذاکره نیست؛ بلکه وادار کردن ما به تسلیم است. مادامی که آمریکا این رویکرد را در پیش بگیرد، ایران هرگز به دنبال مذاکره نخواهد بود.

دبیر شورای عالی امنیت ملی اظهار داشت: در خیابان‌های تهران قدم بزنید. خواهید دید که مردم ما چقدر بانشاط هستند و متوجه خواهید شد آمریکا به آنچه که می‌خواست، نرسیده است. ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ زیرا این سلاح‌ها در اسلام حرام است و هرگز برای طرف‌هایی که آن را در اختیار دارند، مانند رژیم صهیونیستی، امنیتی را ایجاد نکرده است.

وی هشدار داد: در صورت وقوع جنگ، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن در وضعیت وحشتناکی قرار خواهند گرفت. تردیدی نیست که وجهه مخدوش آمریکا بیش از پیش در منطقه و دنیا از بین خواهد رفت.

موضع آقای شمخانی درباره اشتباه بودن امضای برجام، موضعی بجاست که پیش از این‌ها باید ابراز می‌شد. در حالی که تعداد اندکی از معتقدین از ابتدا و از روی دلسوزی این موضع را ابراز کرده بودند، اما دولت به جای پاسخ منطقی و برخورد کارشناسانه با این انتقادات، صرفاً به فحاشی و انگ‌زنی به آنان پرداخت.

مقاومت عزت‌آفرین است

جوان: ایستادگی مردم ایران در برابر آمریکا در سال‌های اخیر در مقایسه با سازش و تسلیم کشورهای زیرسلطه و به تعبیر ترامپ گاوهای شیرده، اگرچه به ما آموخت که هزینه سازش و تسلیم بسیار بیشتر از هزینه مقاومت است که نتیجه

آن را در سرنوشت بسیاری از کشورهای منطقه می‌توان دید، اما روند تحولات روزهای اخیر آورده دیگری برای مردم ایران داشت و آن این که مقاومت علاوه بر کم هزینه‌تر بودن «عزت‌آفرین» نیز هست.

ابعاد این دستاورد را می‌توان در ماجرای کشتی توقیف شده ایران توسط رژیم خبیث انگلیس و با دستور کاخ سفید دید که علاوه بر تحقیر این دو قدرت مطرح جهانی، اعتبار و عظمت مردم ایران را یک بار دیگر و پس از اسقاط پهباد متجاوز امریکایی در جهان، ارتقا و در معرض دید جهانیان قرار داد.

درک این ماجرا چندان دشوار نیست که اگر ایران پس از توقیف کشتی گریس ۱ توسط انگلیس سکوت و قرار بود از مجاری دیپلماتیک ماجرا را پیگیری کند، اکنون علاوه بر گریس ۱ باید شاهد بودیم که چندین کشتی دیگر ایران به بهانه‌های واهی در دیگر تنگه‌ها و آبراه‌ها و حتی شاید در خود خلیج فارس توقیف شده بود. اما زمانی که امریکا و متحدانش اراده ایران را در مقاومت و ایستادگی و آمادگی برای تحمیل هزینه مضاعف به دشمن و به ویژه بعد از توقیف کشتی متخلف انگلیسی دیدند، نه تنها عقب نشستند بلکه ناچار شدند بسیاری از رویه‌های جاری و محاسبات خود را نیز تغییر دهند.

این روزها که موضوع مقاومت و یا دیپلماسی و تأثیر آن در برهم خوردن نظام محاسباتی و آرایش دشمن در منطقه، به سؤال اساسی و البته نقل محافل و رسانه‌ها تبدیل شده است، شاید روشن‌ترین پاسخ را بتوان در آخرین موضع رئیس جمهور امریکا یافت، آنجا که به «غرور» ایرانیان اعتراف می‌کند و در عین حال دچار این توهم است که نظام جمهوری اسلامی در به در به دنبال مذاکره است و با اذعان به تردیدها درباره نتایج فشارها علیه ایران می‌گوید: شاید مسیری را که با ایران در پیش گرفته‌ایم کارایی داشته باشد و شاید هم کارا نباشد!

۲۴ اردیبهشت‌ماه امسال رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، با اشاره به اقدامات خبیثانه امریکا در تشدید فشارها و تحریم‌ها علیه مردم ایران، برای «تغییر محاسبات و تسلیم شدن مسئولان» و نیز «فاصله گرفتن مردم از نظام» یادآور شدند که در مواجهه با دشمن دو راه بیشتر وجود ندارد یا عقب‌نشینی ما و پیشروی متقابل آن‌ها و یا مقاومت و ایستادگی که تجربه ما در جمهوری اسلامی نشان می‌دهد هر جا در مقابل دشمن مقاومت کردیم، جواب گرفتیم.

بزرگان و ضرورت مراقبت ویژه

خراسان: اختلافات بین دو عالم بزرگوار آیات یزدی و آملی: چند سالی است جریانی در داخل با کمک جریان ضدانقلاب، دروغ پردازی‌ها و تخریب‌های ناجوانمردان‌های را علیه آیت ... آملی لاریجانی آغاز کرده است که البته برخی خطاهای عملکردی دستگاه قضایی و شخص ایشان نیز دستگیره مناسبی برای موضوع ایجاد می‌کرد. اما بعد از پایان دوره ایشان و کنار رفتن از ریاست قوه قضاییه و بازداشت یکی از مدیران زیرمجموعه یکی از معاونت‌ها که احتمالاً فاسد است، ماجرا وارد مرحله جدیدی می‌شود. در این دوره جدید برخی دیگر از افراد و جریان‌هایی که جزو دو دسته قبل (یعنی منحرفان و ضدانقلاب) نیستند، وارد ماجرای نقد و افشاگری علیه این مدیر و همچنین آقای آملی به عنوان رئیس قوه می‌شوند و در جلسات محفلی، اخبار و شنیده‌هایی را مطرح می‌کنند به گونه‌ای که این به ظاهر افشاگری‌ها حتی به فضای رسان‌های رسمی نیز کشیده می‌شود. افشاگری‌های این افراد علیه مدیر مربوط یعنی آقای طبری (که احتمالاً بخش مهمی از آن‌ها درست است) دو نقش بسیار مهم در تغییر روند ماجرا گذاشت؛ اولاً همه اتهامات گذشته مربوط به

رئیس قوه را که در ذهن افکار عمومی همراه با ابهام و تردید رسوب کرده بود، زنده کرد و ثانیاً - که بسیار مهم تر از مورد اول است - باعث اعتباربخشی همه دروغ های نجومی علیه رئیس سابق قوه قضاییه شد. همان طور که عرض شد، سوالات، ابهامات و انتقاداتی درباره برخی عملکردهای آقای آملی وجود دارد که مهم ترین آن چرایی حمایت از فردی است که فسادش اکنون محرز شده است، اما بی تردید دروغ هایی مثل جاسوسی دختر ایشان یا نامه تهدید مهاجرت به نجف، دروغ هایی آشکار و تخریبی ناجوانمردانه است. این جریان جدید رأساً هیچ کدام بر این دروغ ها صحه نگذاشتند اما فضای افشاگری که ایجاد کردند، به تمام این دروغ ها نیز اعتبار بخشید، در حالی که اگر این دوستان دغدغه مبارزه با فساد داشتند (نه مطرح کردن خود) هنگامی که پرونده فرد مذکور توسط رئیس جدید دستگاه قضا با قدرت و جدیت و بدون هیچ اغمازی در حال پیگیری است، چه ضرورتی برای فعالیت رسانه ای وجود دارد. افشاگری برای عدالت طلبان زمانی ضرورت پیدا می کند که فسادی از طریق مجاری قانونی پیگیری نمی شود، نه در این مصداق که فرد مذکور بازداشت شده و در حال بازجویی است.

در ادامه همین فضای جدید، ضدانقلاب و جریان منحرف داخلی هر کدام با دلیل مربوط به خود، فرصت را غنیمت شمردند و تخریب آقای آملی را شدت بخشیدند، با دروغ پردازی هایی مثل جعل نامه تهدید مهاجرت به نجف و داستان پردازی های خیالی از جزئیات اعترافات آقای طبری و موج ایجاد شده، استفاده و دروغ های متعددی را به جامعه القا کردند و مشخصاً تخریب آقای آملی را شدت بخشیدند.

در این بین ورود و اظهارات آیت ... یزدی به عنوان چهره ای معتبر برای مردم، اعتبار ویژه ای به ماجرا بخشید، مخصوصاً که برخی از موارد کاملاً دروغ را که معلوم نیست از چه منبعی به ایشان منتقل شده است، مستقیم تأیید کردند و طبیعی بود که این ورود عجیب و نادرست آیت ... یزدی که لطمه شاید غیرقابل جبرانی به آیت ... آملی می زد با واکنش ایشان روبه رو شود که متأسفانه دفاعیه ای که ایشان از خودشان داشتند در عین حالی که بسیاری از محتوای آن روشنگر بود، با ادبیاتی دون شأن یک عالم نسبت به عالمی دیگر همراه شد؛ مواردی که می توانست در یک بیانیه ای عمومی بدون خطاب قرار دادن آیت ... یزدی به جامعه ارائه شود.

درس های «گریس ۱» به برجرام

صبح نو: روز گذشته بود که تصویر به اهتزاز درآمدن پرچم جمهوری اسلامی ایران روی نفتکشی منتشر شد که تا همین چند روز پیش در توقیف انگلیسی ها بود؛ نفتکشی که پیش از این با پرچم پاناما محموله ایران را جابه جا می کرد و صرف ایرانی بودن محموله این سوپرنفتکش باعث دست درازی انگلیسی ها شده بود. حالا و بعد از اتمام فرآیند بازداشت و بدون این که فعلاً خبری از آزادی نفتکش انگلیسی توقیف شده در ایران باشد، سوپرنفتکش «گریس ۱» از بند توقیف رها شده و این مرتبه اما با پرچم ایرانی قدم در آبراه بین المللی می گذارد. این اتفاق ظاهراً یک اتفاق ساده سیاسی، ولی در باطن اثبات یک نگاه در تعاملات بین المللی جمهوری اسلامی است؛ اثبات این نگاه که در دنیای پرزرق و برق و ظاهراً متمدن امروزی، هنوز مانند چند صد سال قبل، قدرت حرف اول را می زند؛ اثبات این نگاه که حقوق و دیپلماسی بین المللی تا پیش از قدرتمند شدن، صرفاً سرفصل هایی برای تدریس در دانشکده های حقوق هستند که کارکردشان فقط برای گرم کردن سر دانشجویان این قبیل رشته ها در ممالک در حال توسعه است و گرنه در باطن هنوز قدرت است که حرف اول را می زند؛ منطق و قاعده ای که شبیه آن در جنگل هم حکمرانی می کند.

مردم به چه کسانی رأی می دهند؟

فارس: برای پاسخ به این سوال، یکبار می توان، قیاسی پاسخ داد و یکبار استقرائی. استقرائی به این معنا که

انتخابات‌های گذشته را تک به تک تحلیل کرد و از مجموع آن‌ها به فرمولی رسید و با تحلیل انتخابات‌های ریاست جمهوری گذشته، سرجمع به چهار موضوع رسیدم:

- ۱- مردم به کسانی رأی می دهند که درست، بر روی مسائل آن‌ها دست گذاشته اند. یعنی کسانی رأی می آورند که فهم درستی از مسائل مردم دارند.
 - ۲- مردم به کسانی رأی می دهند که پاسخ آن‌ها را برای حل مسائلشان، واقع بینانه، کم هزینه و پرفایده می دانند.
 - ۳- مردم به کسانی رأی می دهند که علاوه بر دو مورد قبل، توان و جریزه لازم را در آن‌ها برای دو مورد قبل ببینند و ذهنیت منفی هم نسبت به آن‌ها کم است.
 - ۴- بتواند با مردم، ارتباط برقرار کند. مردم او را بفهمند و او مردم را. اسم این چهار ضلع را گذاشتم، مپتا (مساله شناسی، پاسخ مناسب، توان لازم، ارتباط گیری) امروز هم هر کس بخواهد پیروز انتخابات ریاست جمهوری شود باید از این چهار ویژگی برخوردار باشد. به نظر اینجانب عمده مردم، تفننی رأی نمی دهند. حتی ممکن است ناهار یک کاندیدا را بخورند اما به کاندید دیگر رأی بدهند!
- بر این اساس، ادعای تأثیر زیاد سلبریتی‌ها یا تأثیر عبای شکلاتی و... را ادعایی درست نمی دانم و حتی با این که وحدت شرط لازم هست اما شرط کافی نیست. حال این سوال مطرح می شود که مهمترین مسائل مردم چیست؟ این سوالی است که نمی توان به راحتی به آن پاسخ داد اما بر اساس ارزیابی وضعیت گذشته و حال، می توان چند مساله را مطرح کرد. ۱- آرامش: مردم به دنبال آرامشند. ۲- عدالت و رفاه اقتصادی ۳- مبارزه با فساد ۴- آزادی
- در خصوص مساله دوم از مسائل چهارگانه که پاسخ به مسائل مردم است، من معتقدم که اسلام ناب که همان اسلام جامع است، توان پاسخ به همه نیازها را دارد و می توان از پایگاه اسلام ناب، با عقلانیت و اخلاق‌مداری، این پاسخ‌ها را تولید و ارائه کرد و همه مسائل مردم از این پایگاه، قابل پاسخ‌دهی است. منتها این پاسخ‌ها باید توسط افرادی به مردم عرضه شوند که مردم در آن‌ها جریزه لازم و اعتماد به نفس کافی را ببینند و هم هنرمندانه این مفاهیم را عرضه کنند و بتوانند با مردم ارتباط بگیرند. عمده مردم ایران، متدین و انقلابی‌اند و اگر کسانی بتوانند در چارچوب مپتا، از پایگاه اسلام ناب، در عرصه حضور یابند، احتمال موفقیت‌شان بالاست.

